

گفت و گوی صبا با سه کارگردان بخش تجربی جشنواره فیلم کوتاه

مجالى بر محک ایده‌ها



لطفا کمی در مورد اسم فیلم بگویید.
اولین بار لغت جاز در روزنامه‌ای برای عنوان دادن به حرکت یا تلو تلو خوردن توپ بیسبال استفاده شد و چون در فیلم ما یک سری نورهایی می‌بینیم که مدام در حال تلو تلو خوردن هستند این اسم را برای کار انتخاب کردم.

روند تولید اثر چگونه بود
من با یک دوربین هندی کم یک مگاپیکسلی به سطح شهر می‌رفتم و از نورهایی که خوشم می‌آمد فیلمبرداری می‌کردم بعد آنها را کنار هم چیدم و حالتی به خود گرفت که به نظر من یک فیلم بود سپس از طریق دوستانم که طراحی صدا و آهنگسازی می‌کردند این بخش فیلم انجام شد.

این دوره از جشنواره چه دستاوردهایی می‌تواند برای کارگردانی مانند شما داشته باشد
من خیلی حیرت زده شدم از اینکه فیلمم توانست به این جشنواره راه پیدا کند و برایم بسیار عجیب بود که از فیلم استقبال شد. اینکه فیلمم قبول شد برای من نشانه این است که از فیلم سازانی مانند من حمایت می‌شود.

احسان میرزایی کارگردان فیلم کوتاه آدمی جمله‌ای که ایده می‌زاید

کمی در مورد خودتان بگویید.

من متولد ۷۱ هستم و کارشناسی روانشناسی دارم و از دانش آموخته‌های انجمن سینمای جوانان هستم. تاکنون ۵ فیلم تجربی ساختم، چهار اثر داستانی و یک پویانمایی. این سومین حضورم در جشنواره فیلم کوتاه تهران است و با فیلم کوتاه اتاق آقای ون برگ زین جشنواره را دریافت کردم.



ایده فیلم چگونه شکل گرفت؟

ایده فیلم از یک کتاب آمد. در ابتدای کتاب آدمی اثر برخمان یک جمله از چخوف نوشته شده که می‌گوید اگر به انسان نشان دهید چیست بهتر می‌شد. این جمله نقطه شروع ایده فیلم بود.

در مورد روند تولید اثر بگویید.

از ایده تا تولید ۶ ماه حدوداً طول کشید. سبک کار به این شکل است که بیشترش انیمیشن است و یک قالب ساده اما خلاقانه دارد.

جشنواره برای شما چه دستاوردی دارد؟

متأسفانه در ایران بهای لازم به فیلم‌های تجربی داده نمی‌شود و تنها جایی که از این فیلم‌ها حمایت می‌کند انجمن سینمای جوان است و جشنواره فیلم کوتاه تهران تنها جشنواره‌ای است که به صورت تخصصی در ایران از کارگردان‌های فیلم‌های تجربی حمایت می‌کند.

اثرگذارترین بخش در تولید این فیلم چه بود.

فکر می‌کنم بخش تدوین در این اثر بسیار مهم بود و تقریباً ۸۰ درصد بار کار روی این بخش بود که خودم آن را انجام دادم. من در ابتدا تدوین، بعد تصویر و فیلمبرداری و در آخر فیلمسازی را یاد گرفتم. کسی که می‌خواهد فیلم تجربی بسازد از آنجایی که باید با بودجه بسیار کمی فیلم را بسازد در وهله اول می‌بایست تدوین را یاد بگیرد.

روی گونه رانبال می‌کند.

بحث تهیه و کست چگونه بود؟

ما به لحاظ مالی با حداقل میزان ممکن این فیلم را ساختیم. تا جایی که فیلمبرداری کار را خودم انجام دادم چرا که واقعاً بودجه‌ای نداشتیم که برای فیلمبردار بپردازیم. اما نهایتاً ما سعی کردیم تا فیلم لطمه نبیند. عوامل فیلم هم همه از حرفه‌ای‌های سینمای آذربایجان و اردبیل هستند و در زمینه بازیگری در آثار حرفه‌ای حضور داشته‌اند. ولی می‌توانم بگویم کار یک فضای خودمانی تری داشت. ما بسیاری از کارها را خودمان انجام می‌دادیم یعنی سر صحنه هیچ کداممان کارگردان نبود همانطور که هیچکس تدارکات نبود. ما فضای دوستانه‌ای در صحنه ساخته بودیم و با یک تعامل دوستانه کار را جلو می‌بردیم. کار بسیار سخت بود ما باید دنیای جدیدی را در یک فضای واقعی ایجاد می‌کردیم و این مستلزم یک سری هزینه‌ها از لحاظ زمانی و مالی بود، چندین ماشین اسباب و اثاثیه حمل و نقل می‌کردیم تا بتوانیم فضایی را در طبیعت بسازیم که رویاگونگی و سورئالیته اثر را نشان دهد.

بودجه کمی‌ای که انجمن سینمای جوان به شما داد آیا در حدی بود که بتواند بار تولید کار را به دوش بکشد؟

من این کار را برای انجمن سینمای جوان مشکین شهر تولید کردم. ما با مبلغ خاصی را با انجمن قرارداد بستیم ولی شرایط کرونا و طولانی شدن پروژه تولید باعث شد تا با تورم اساسی روبرو شویم و این چالش برانگیز بود.

حقیقتاً نمی‌توانم در مورد بودجه بگویم که می‌توانست فشار مالی کار را به دوش بکشد اما در نهایت همه ما از این کار راضی هستیم چرا که جایزه منطقه‌ای بهترین فیلم بخش تجربی جشنواره بوشهر را دریافت کرد و اکنون هم در جشنواره فیلم کوتاه تهران است و آن مبلغ قرارداد در شان فیلم مکعب قرمز نیست. ما بخش زیادی را به صورت شخصی هزینه کردیم البته یک درخواست متمم بودجه برای انجمن ارسال کرده‌ایم که امیدواریم به آن ترتیب اثر داده شود تا بخشی از این هزینه‌ها جبران شود.

سخن پایانی

مکعب قرمز ساخته شد و هر چند که من در تیتراژ اثر به عنوان نویسنده، کارگردان و فیلمبردار اثر نامیده می‌شوم، فکر می‌کنم و از آن مهمتر حس می‌کنم که دست خدایی در کار بود، انرژی دیگری که شاید آن را کائنات بنامیم و نیرویی فراتر از من بود که این اثر به این نقطه رسید.

کیان زمانی کارگردان اشعه جاز: نورهایی مست از تلالو

لطفا در مورد ایده اولیه فیلم و روند تولید بگویید.

ایده اولیه از آنجا آمد که من خیلی بدوی به سینما نگاه کردم و سینما را در دو چیز خلاصه کردم یکی نور و دیگری حرکت. این اثر اولین فیلم من و ورودم به دنیای سینما است به این علت خواستم که فقط به مقوله نور و حرکت بپردازم.



چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران از امروز بیست و هفت مهر آغاز شده و علاقه‌مندان به فیلم‌های کوتاه را به پردیس سینمایی ملت می‌خواند. خبرنگار صبا گفت و گویی را با سه کارگردان بخش تجربی جشنواره داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

فرهان بهپور کارگردان مکعب قرمز: رویایی در واقعیت

کمی در مورد خودتان بگویید.

متولد سال ۶۹ در اردبیل هستم. دیپلم تصویربرداری، کاردانی عکاسی، کارشناسی سینما گرایش تدوین و ارشد کارگردانی را تمام کرده‌ام. در حوزه سینما به عنوان نویسنده و کارگردان فعال هستم. تا به حال دو کار جدی تولید کرده‌ام یکی فیلم سرمای سرد که به تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوان دفتر اردبیل و دیگری هم مکعب قرمز است.



لطفا در مورد ایده فیلم بگویید.

ایده این فیلم به یک دهه قبل باز می‌گردد و زمانی که دانشجوی تدوین بودم. آن موقع فضای ذهنی‌ام بیشتر رویاگونه و سورئال بود و هر آنچه که ذهنم می‌ساخت به این شکل بود و حالت رویاگونه می‌گرفت. پروژه شکل‌گیری این فیلمنامه ده ساله بود.

پروژه تولید چگونه بود؟

تولید این اثر زمانبر بود. ما از قبل از کرونا آغاز کردیم و فیلمنامه نهایی شد و در پیچینگ انجمن سینمای جوانان مشکین شهر تصویب شد که کار کنیم. ما در دوران کرونا فیلمبرداری‌ها را آغاز کردیم و مراحل تدوین کار به شکلی بود که به آن انسجام کلی برای مونتاژ نمی‌رسید و نیاز به زمان داشتیم و نمی‌توانستیم سرعاً انسجام تصویر را نهایی کنیم به همین دلیل ما فیلم مکعب قرمز را در نسخه‌های متعددی تدوین کردیم. نسخه‌ای می‌زدیم زمان می‌گذشت و ما دوباره پشت میز مونتاژ می‌نشستیم و به ایده‌های خاص دیگری می‌رسیدیم و هر بار این پروژه دستاوردی برای ما داشت.

سبک فیلم چیست؟

خوب این فیلم‌ها در سبک اکسپریمنتال یا همان تجربی تولید می‌شوند. اما این فیلم یک رویای به تصویر کشیده شده است. فضای فیلم سورئال و رویاگونه است و سعی کردیم تا دنیای جدیدی را به لحاظ تصویری خلق کنیم که فراتر از دنیای واقعی باشد که ما در آن زندگی می‌کنیم.

با توجه به آنچه گفتید لوکیشن و طراحی صحنه اثر چگونه بود؟

لوکیشن‌های ما در طبیعت هستند اما ما طراحی انجام دادیم و فضایی که مناسب با فیلم بود را ساختیم. به عنوان مثال در یک منطقه بیابانی دری قرار دادیم یا پنجره یا خانه‌ای شکل دادیم. در واقع یک فضای سورئال را در طبیعت به وجود آوردیم. هم به لحاظ داستانی و هم به لحاظ موقعیت جغرافیایی این فیلم کاملاً فضای